

مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی

مطالعه مقایسه‌ای دو مجموعه مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران*

علیر ضاعینی فر^{۱*}، آزاده آقالطیفی^۲

^۱ دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

^۲ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۵/۳)

چکیده:

ساماندهی محیط زندگی با تعریف روشن عرصه‌های خصوصی و عمومی و ایجاد سلسله مراتب فضایی میسر می‌شود و عرصه‌های تعریف‌شده زندگی نیز، احساس تعلق به محیط را افزایش می‌دهد و به محیط‌های مسکونی هویت می‌بخشد. این مقاله مفهوم قلمرو را به‌منزله یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت ارتباط انسان با محیط مسکونی، موردتوجه قرار داده است. برای این منظور، عوامل موثر بر مفهوم قلمرو در مجموعه‌های متداول مسکونی گسترده در سطح و ارتفاع تحلیل شده است. دو نمونه از این الگوهای سکونت در شهر تهران، شامل بخشی از شهرک اکباتان و شهرک غرب، برای آزمون نتایج انتخاب شده است. روش تحقیق کیفی و رویه عملی آن استفاده از پرسشنامه و تحلیل نقشه‌نگاری ذهنی است. نتایج حاصل از پیمایش نشان می‌دهد که در صورت تأمین خدمات و فضاهای سبز و فضاهای جمعی لازم، گسترش در سطح و ارتفاع، تأثیر چندانی در رضایت از قلمروهای اولیه، ثانویه و عمومی ندارد. در عین حال گسترش در ارتفاع و هماهنگی کالبدی بناها، ضمن ایجاد قلمرو عمومی و تقویت هویت محلی، قدرت قلمروهای ثانویه را کاهش می‌دهد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد، محدوده قلمروهای طراحی شده بر قلمرو ذهنی ساکنان منطبق نیست و علاوه بر آن از نظر ساکنان نقش عوامل ادراکی-روانی، اجتماعی، جغرافیایی-فرهنگی بیش از دیگر عوامل از جمله عامل کالبدی، در رضایت از قلمروهای مختلف مؤثر است.

واژه‌های کلیدی:

قلمرو، مجموعه مسکونی، فضای عمومی-خصوصی، شهرک اکباتان، شهرک غرب.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نگارنده دوم با عنوان "تبیین الگوی تعامل انسان و خانه معاصر در ایران" به راهنمایی آقای دکتر علیرضا عینی فر و مشاوره آقای دکتر عیسی حجت است که بدینوسیله از زحمات ایشان قدردانی می‌شود.

** نویسنده مسئول: تلفکس: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۴۴۴ - E-mail: aeinifar@ut.ac.ir

مقدمه

فضایی انسان در محیط زندگی، موارد متعددی را مهم دانسته‌اند که از جمله می‌توان به امنیت فضایی، روابط اجتماعی، خوانایی، خلوت، حرمت انسانی و هویت اشاره کرد. بسیاری از این نیازها جز با عرصه‌بندی محیط زندگی قابل تأمین نیستند. عرصه‌بندی محیط‌های مسکونی، نیازمند سلسله مراتب فضایی، عملکردی، اجتماعی و غیره است که با مفهوم قلمرو ارتباط ناگسستنی دارند (بحرینی، ۱۳۷۸). در این مقاله با این باور که ارتباط انسان و محیط به عوامل مختلف و متعددی وابسته است، موضوع قلمرو را به منزله یکی از عوامل تأثیرگذار در کیفیت ارتباط انسان و محیط مسکونی، در دو مجموعه در سطح و ارتفاع در شهر تهران (شهرک اکباتان و شهرک غرب) بررسی و تحلیل می‌شود.

دیدگاه‌های تعاملی در مکاتب روان‌شناسی بر این باورند که انسان با محیط ارتباط برقرار می‌نماید، در آن دخل و تصرف می‌کند و از آن تأثیر می‌پذیرد. از سوی دیگر نیاز انسان به خانه بسیار فراتر از نیاز اولیه به سرپناه است. با تأکید بر دیدگاه‌های اقتصادی و جمعیتی و کم توجهی به نیازهای دیگر انسان، محیط زندگی از کیفیت لازم کم بهره می‌ماند و ساکنان محیط‌های مسکونی با کم شدن حس تعلق به محیط زندگی، دچار نوعی بی‌هویتی می‌شوند. علاوه بر این، به دلیل مشکلات موجود در شهرهای بزرگ، گریزی از گسترش مجموعه‌های از پیش طراحی شده و انبوه وجود ندارد و پرداختن به جنبه‌های انسانی طراحی چنین مجموعه‌هایی ضرورت می‌یابد. محققان با تمرکز بر نیازهای

چیستی قلمرو

از یک قرن دارد. ظهور این مفهوم را می‌توان در تحلیل‌های جامعه‌شناختی زندگی شهری (در دهه ۱۹۲۰) جست و جو کرد. زمانی که صاحب‌گران، کارکرد گروه‌های اجتماعی را بررسی می‌کردند، به طور مداوم به قلمروهایی برخوردند که با مکان‌هایی مجزا می‌شدند تا گروه‌هایی اجازه ورود به قلمرو گروه‌های دیگر را نداشته باشند (آلتن، ۱۳۸۲، ۱۲۷). گاه این قلمروها رنگ و بوی نژادی می‌گرفت و گاه به رده اجتماعی خاصی تعلق داشت. برخی علامت‌گذاری شده بودند و برخی تنها از طریق رفتار قلمروگرا قابل شناسایی بودند.

در این میان بررسی و مطالعه رفتار قلمروگرایی حیوانات تاریخچه‌ای طولانی‌تر دارد و دلمشغولی پژوهشگرانی همچون هاوارد^۲ در دهه ۱۹۲۰، کارپنتر^۳ در دهه ۱۹۵۰ و نایس^۴ از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۰ بوده است (لنگ، ۱۳۸۴ و بحرینی، ۱۳۷۸). درک مفهوم قلمرو در زندگی حیوانات، ساده‌تر است. برخی از متخصصان مانند برت^۵ قلمرو را قسمت دفاعی محدوده لانه می‌دانند (Burt, 1943). برخی دیگر مانند کارپنتر، آن را پیچیده‌تر دانسته و معتقدند که مفهوم قلمرو نظام رفتاری پیشرفته‌ای است که بر حسب زمان و مکان تعریف می‌شود. این قلمرو حدود ۳۰ نقش، از جمله فضا‌سازی مناسب یک جمعیت حیوانی، نظارت بر رشد بچه‌ها، کاهش پیکار بر سر جفت، امنیت و دفاع را برآورده می‌کند (آلتن، ۱۳۸۲، ۱۳۱).

رفتارهای قلمروگرایی انسان‌ها و حیوانات را می‌توان از جنبه‌هایی به یکدیگر شبیه و متفاوت دانست. از شباهت‌های این دو می‌توان به علامت‌گذاری جهت نشان دادن مالکیت، دفاع از قلمرو و تعلق فردی یا گروهی اشاره کرد؛ ولی عمده تمایز در تنوع نسبی عضویت گروهی انسان است. حیوانات در گروه‌های معهود و انسان‌ها متعلق به گروه‌های زیادی هستند و در هر دوره‌ای از زندگی خود نقش‌های اجتماعی متفاوتی دارند که هریک از این نقش‌ها قلمرو متفاوتی می‌طلبد (همان، ۱۳۳). علاوه بر آن، قلمرو برای انسان‌ها نه تنها مفهومی مکانی است، بلکه محصول

فرهنگ دهخدا قلمرو را اسم مرکبی با معنی ملک، مملکت و ولایت متصرفه معرفی کرده‌است. ملک و ولایتی که در آن نوشته قلم پادشاهی رود و مردم آنجا نوشته او را قبول نمایند^۱ (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه قلمرو). همچنین قلمرو را معادل واژه انگلیسی Territory قرار می‌دهند. فرهنگ وبستر، این واژه را^۲ از ریشه Terra به معنی زمین معرفی می‌کند و آن را علاوه بر محدوده تحت تملک، معادل زمین یا آب تحت اختیار یک ملت، کشور یا قانون و نیز محدوده مشخص شده برای فضای خاص فعالیت یا جریان فکری می‌داند^۳ (Webster Dictionary, 1977, 1884). بنابراین مفهوم قلمرو، از منظر زبان در حیطه اختیارات، متصرفات و تملکات قرار می‌گیرد؛ با نگاه تاریخی نیز خواهیم یافت که از همان ابتدای سکونت انسان و ایجاد سرپناه‌های اولیه، شکل‌دهی آگاهانه به محیط زیست سبب نوعی نشانه‌گذاری هدفمند شده است که از تحت تملک قرار دادن محدوده‌ها حکایت دارد. این نشانه‌گذاری را می‌توان در غارهایی متعلق به ۳۰۰۰۰ سال پیش، به صورت دیوارنگارها مشاهده نمود (راپاپورت، ۱۳۸۲، ۶)؛ این شواهد حکایت از نشانه‌گذاری محل سکونت و اهمیت حریم‌گذاری و تعیین قلمرو نزد انسان‌های نخستین دارد.

بررسی مورخان و جامعه‌شناسان نیز نشانگر آن است که رفتار قلمروگرا^۴ یا قلمروپایی و پیامدهای آن مانند مالکیت و دفاع فعال را در طول تاریخ و در تمامی گروه‌های انسانی می‌توان مشاهده نمود. هرچند رفتار قلمروگرا، فرآیندی پیچیده است که بر حسب شرایط و مقتضیات زمان تغییر می‌کند؛ با این وجود این رفتار سبب شده است که انسان‌ها یک نشانه و مکان را برای هویت یگانه خود در جهان برگزینند؛ این نشانه و مکان برای هویت شخصی و هویت اجتماعی قابل رویت است و نوعی حس مالکیت همراه با دفاع را به وجود می‌آورد (Lawson, 2001, 167). استفاده از مفهوم قلمرو در علوم امروزی، سابقه‌ای کمتر

یا یک هشتی که به چند خانه راه داشته است و فضای خصوصی حیاط و عناصر در بر گیرنده آن را شامل می‌شود. بدین ترتیب قلمرو را می‌توان به قلمرو یک محله، قلمرو چندین واحد مسکونی و قلمرو یک واحد مسکونی تقسیم‌بندی نمود^۸ (توسلی، ۱۳۶۹، ۶۸). با توجه به آنچه گفته شد، پژوهشگران، انواع قلمرو را بر مبنای سلسله مراتب دسترسی، مقیاس و یا مفاهیم مرتبط، مشخص می‌کنند. ایزوین آلتمن با در نظر گرفتن این عوامل، دسته‌بندی جامعی از قلمرو را به ترتیب زیر ارائه کرده است:

• **قلمرو اولیه:** قلمروهای اولیه تحت مالکیت و استفاده انحصاری فرد یا گروه خاصی است، دیگران نیز آنها را مالک این قلمروها نمی‌شناسند؛ به شکلی دائمی تحت اختیار افراد هستند و در زندگی روزمره نقش اساسی دارند. برآور^۹ نیز این نوع را قلمرو شخصی نامیده و نمونه آن را خانه می‌داند.

• **قلمرو ثانویه:** قلمرو ثانویه کمتر نقش مرکزی و انحصاری دارد و معادل گروه‌های ثانویه در جامعه شناسی است. برخی از قلمروهای ثانویه در آن واحد، هم در دسترس عموم و هم تحت نظارت استفاده‌کنندگان ثابت است. در حقیقت این مفهوم، فضای نیمه خصوصی و نیمه عمومی الکساندر، فضای تعاملی لایمن و اسکات و فضای حامی الشراکوی را نیز در خود جای داده است.

• **قلمرو عمومی:** این قلمرو محدوده‌ای موقتی است و تقریباً هرکسی به آن دسترسی و حق استفاده از آن را دارد. این قلمرو را آزاد و اختیاری نیز نامیده‌اند (آلتمن، ۱۳۸۲، ۱۳۸ تا ۱۴۵).

همان‌گونه که در جدول ۱ دیده می‌شود، بخشی از دسته‌بندی‌های انجام شده برای تبیین مفهوم قلمرو نظمی سلسله‌مراتبی دارند و بخشی دیگر بر اساس مفاهیم ادارکی محیط مرتب شده‌اند. در این پژوهش با استفاده از دسته‌بندی آلتمن، درک بهتر عوامل موثر بر مفهوم قلمرو در سلسله‌مراتب عمومی، ثانویه و اولیه در محیط‌های مسکونی مورد نظر است. از آنچه گفته شد می‌توان دریافت که قلمرو مفهوم پیچیده‌ای است، معنای ثابتی ندارد و در عرصه‌های گوناگون محیط زندگی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد (بحرینی، ۱۳۷۸، ۲۰). برخی از عوامل تاثیرگذار بر درک مفهوم قلمرو، عوامل اجتماعی، ادراکی-روانی، کالبدی و کارکردی را شامل می‌شوند. عوامل جغرافیایی-فرهنگی و عامل زمان، بستر تاثیرگذاری عوامل قبلی را فراهم می‌سازند. توضیح این عوامل به شرح زیر است:

• **عوامل اجتماعی:** هر قلمرو می‌تواند واحدهای اجتماعی نظیر گروه‌ها و نظام‌های اجتماعی بزرگ‌تر را در خود جای دهد؛ مکانی برای روابط اجتماعی مهیا سازد، نشانه‌ای از هویت افراد را فراهم کند و به نحو بی‌نظیری به تمام آن جمع یا گروه تسری دهد (Lawson, 2001, 168). همچنین بسیاری از رفتارهای اجتماعی دارای جنبه قلمروگرایی هستند که باید به صورت فضایی تعریف شده و با توجه به مکان‌ها تغییر یابند. قلمروها مشخص شده، نظارت شده و دفاع شده هستند؛ رفتارها نیز به این صورت مشخص می‌شوند (بحرینی، ۱۳۷۸، ۲۰). بنابراین می‌توان برقراری روابط اجتماعی، هویت جمعی، نظارت اجتماعی و مشارکت جمعی (چه در دفاع از حریم قلمرو و چه در فعالیت‌های اجتماعی) را جزء عوامل

ساخته‌ها و انگاره‌های ذهنی است (لینچ، ۱۳۸۴، ۱۷۰).

مفهوم قلمرو تنها موضوعی فضایی نیست، بلکه یک پدیده اجتماعی نیز هست. در حقیقت قلمرو را می‌توان موقعیت و مکان یک اجتماع در فضا دانست (Lawson, 2002, 168). لازم به ذکر است که در مقابل، بسیاری از رفتارهای اجتماعی نیز دارای جنبه‌های قلمروگرا هستند که باید به صورت فضایی تعریف شده و با توجه به مکان‌ها تغییر یابند. در حقیقت، قلمرو ابزاری شاخص برای گذر از یک فضای ساده است که می‌توان آن را یک سازوکار پشتیبان برای نیازهای اصلی زندگی مانند هویت، انگیزش و امنیت دانست. بنابر تحقیقات متخصصانی مانند آردری، قلمروپایی از نیازهای اصلی اکثر موجودات است^{۱۰} (Ardrey, 1967 in Lawson, 2001, 167). لذا می‌توان ادعا نمود که قلمرو نقش اساسی در زندگی انسان دارد و این امکان را فراهم می‌نماید که فضای اطراف خود را ساماندهی نموده و به آن هویت فردی یا جمعی دهد. قلمروپایی با امکان تغییر محیط و به نوعی شخصی‌سازی آن تاثیر به‌سزایی در ایجاد حس هویت دارد (Roberts & Russel, 2002, 17).

انواع قلمرو و عوامل شکل دهنده به آن

با وجود اینکه مفهوم قلمرو در شرایط متفاوت ابعاد دقیق و ثابتی ندارد، تلاش‌های متعددی صورت گرفته است که گونه‌های مختلف قلمرو را شناسایی نماید. یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در تشخیص انواع قلمرو، توجه به عرصه‌بندی در محیط‌های مسکونی است. الکساندر و چرمایف در یک تقسیم‌بندی، سلسله‌مراتب فضاهای عمومی شهری، فضاهای نیمه عمومی شهری، فضاهای عمومی یک گروه، فضاهای خصوصی یک گروه، فضاهای خصوصی یک خانواده و فضاهای خصوصی افراد را معرفی کرده‌اند. چنین تقسیم‌بندی را می‌توان به صورتی کلی‌تر، یعنی فضاهای عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی معرفی نمود (بحرینی، ۱۳۷۸، ۲۱). در این راستا داگلاس پورتیوس سه مقیاس فضایی را در درون هم تعریف کرده است، مقیاس اول فضای شخصی است که منظور از آن محدوده‌ای غیر قابل رویت در اطراف فرد می‌باشد که مزاحمی به آن راه ندارد؛ مقیاس بعدی، فضای متکی به خانه است که از آن به طور فعال دفاع می‌شود و مقیاس آخر، فضای در دسترس خانه می‌باشد که مکان رفتاری زندگی فرد است (لنگ، ۱۳۸۴، ۱۷۰). به همین صورت لایمن و اسکات نیز دو نوع قلمرو، یعنی قلمرو «خانه» و «تعاملی» را معرفی کرده‌اند (آلتمن، ۱۳۸۲، ۱۴۰). حسین الشراکوی نیز چهارگونه قلمرو مکانی را تحت عنوان قلمرو پیوسته (حباب فضایی متعلق به فرد)، مرکزی (فضاهای به شدت شخصی مانند اتاق و خانه) حامی (فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی) و پیرامونی (فضاهای عمومی) معرفی می‌کند (لنگ، ۱۳۸۴، ۱۷۰).

چنین تقسیم‌بندی در شهرهای قدیمی ایران نیز به واسطه وجود سه نوع فضا با خصوصیات متفاوت قابل شناسایی است. این سه نوع فضا فضاهای عمومی به صورت گذر و میدان، فضای نیمه خصوصی-نیمه عمومی به صورت یک بن بست اختصاصی

جدول ۱- دسته‌بندی‌های ارائه شده برای انواع قلمرو.

پژوهشگر	دسته بندی ارائه شده از انواع قلمرو						ماهیت دسته‌بندی
الکساندر و چرمایف	فضاهای عمومی شهر	فضاهای نیمه‌عمومی شهر	فضاهای عمومی یک گروه	فضاهای خصوصی یک گروه	فضاهای خصوصی یک خانواده	فضاهای خصوصی افراد	سلسله مراتبی
داگلاس پورتیوس	فضای در دسترس خانه		فضای متکی به خانه		فضای شخصی		مقیاسی / سلسله مراتبی
لایمن و اسکات	قلمرو تعاملی			قلمرو خانه			مفهومی
حسین الشراوی	قلمرو پیرامونی	قلمرو حامی	قلمرو مرکزی	قلمرو پیوسته			مفهومی
ایروین آلتن	قلمرو عمومی		قلمرو ثانویه		قلمرو اولیه		مفهومی / سلسله‌مراتبی
سید حسین بحرینی	فضای عمومی	فضای نیمه‌عمومی		فضای نیمه‌خصوصی		فضای خصوصی	سلسله مراتبی
محمود توسلی	قلمرو یک واحد محله‌ای		قلمرو چندین واحد مسکونی		قلمرو یک واحد مسکونی		مقیاسی

اجتماعی دانست.

استفاده از قلمرو می‌تواند بر ماهیت آن تأثیرگذار باشد؛ به گونه‌ای که می‌توان برخی از قلمروها را موقتی‌تر (مثل صندلی اتوبوس) و برخی دیگر را دائمی‌تر (مثل خانه) دانست (آلتن، ۱۳۸۲، ۱۳۸). از سوی دیگر، عامل زمان در عوامل غیر ثابت مانند عوامل ادراکی - روانی بسیار تأثیرگذار است. برای مثال، قلمرو بازی کودکان در اطراف خانه، در روز و شب متفاوت است.

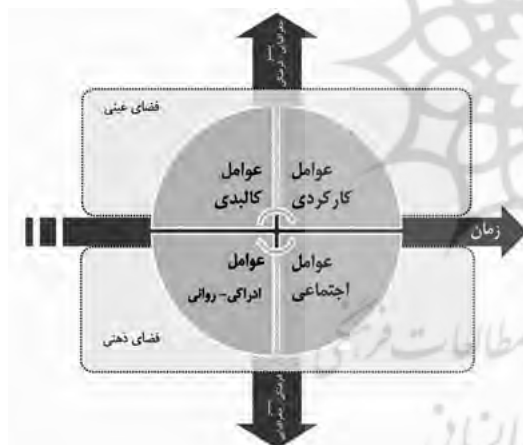
• **عوامل ادراکی - روانی.** یکی از تأثیرگذارترین عوامل بر مفهوم قلمرو در محدوده‌های مختلف، مسائل ادراکی - روانی آن است که به دلیل وجود انسان به عنوان کاربر فضا، اهمیت می‌یابد. در سلسله‌مراتب نیازهای انسانی^{۱۰}، امنیت و آرامش خاطر جایگاه ویژه‌ای دارد که در هر محیط خصوصی و عمومی، قابل بررسی است. به جز موضوع احساس امنیت، حس تعلق به فضا، خوانایی محیط، نیازها و انگیزه‌های حضور در محیط نیز در این دسته جای می‌گیرد.

• **عوامل کالبدی.** عوامل کالبدی، از مهم‌ترین عوامل مورد نظر طراحان معمار و شهرساز هستند. از عوامل کالبدی می‌توان به نظم فیزیکی و بصری، تعادل در محیط‌های باز و بسته، شاکله کلی محدوده، ساختار مرزبندی کالبدی و مانند اینها اشاره کرد.

• **عوامل کارکردی.** یکی از اساسی‌ترین گام‌ها برای تعیین قلمروها، توجه به نظم سلسله‌مراتبی عرصه‌بندی‌هاست (بحرینی، ۱۳۷۸، ۲۱). این عامل می‌تواند در قالب سلسله مراتب عملکردهای مختلف و یا سلسله مراتب دسترسی‌ها و غیره بررسی شوند.

• **عوامل جغرافیایی - فرهنگی.** این عوامل که به نوعی بستر عوامل دیگر هستند، خود از دو بخش عوامل جغرافیایی و فرهنگی تشکیل می‌شوند. منظور از عوامل جغرافیایی، ویژگی‌هایی مانند اندازه، وسعت و مکان قلمرو می‌باشد (آلتن، ۱۳۸۲، ۱۳۸) که به نوعی بر فعالیت در هر قلمرو تأثیرگذار است. همچنین معمولاً قلمروها با دو جنبه پراهمیت‌تر تعریف می‌شوند که یکی مرز هر قلمرو با قلمروهای مجاور و دیگری مرکز هر قلمرو است. در مقیاس ملی اولی با مرزها و دومی با پایتخت تعریف می‌شود. هر دو جنبه ذکر شده از عوامل جغرافیایی به‌شمار می‌روند. عوامل فرهنگی نیز از دسته عواملی هستند که تا حدی با عوامل اجتماعی مربوط بوده و به هویت فرهنگی، آداب و رسوم و یا اعتقادات و باورها می‌پردازند. رفتارهای متداول در هر قلمرو، بازتاب هویت فرهنگی مردم است.

• **عامل زمان.** زمان عاملی است که می‌تواند بر عوامل مختلف سایه افکنده و آنها را تحت تأثیر خود قرار دهد. از سویی مدت زمان



تصویر ۱- مدل پیشنهادی عوامل موثر بر شکل‌گیری مفهوم قلمرو.

بخشی از عوامل شش‌گانه (کالبدی، کارکردی، اجتماعی و ادراکی - روانی، جغرافیایی - فرهنگی و زمان) موثر بر شکل‌گیری مفهوم قلمرو، بیشتر به فضای عینی و بخشی به فضای ذهنی مربوط‌اند. همان‌گونه که در مدل پیشنهادی (تصویر ۱) نشان داده شده است، نحوه تأثیر تمامی این عوامل یکسان نیست. عامل جغرافیایی - فرهنگی به صورت بستر دیگر عوامل عمل نموده و زمان نیز نه تنها به واسطه مدت زمان استقرار قلمرو بیشترین تأثیر را دارد، بلکه خود به صورت یک بستر، بر دیگر عوامل موثر است. در این مقاله بررسی مفهوم قلمرو و تعاریف آن، به زندگی در محیط‌های مسکونی محدود شده است و به همین دلیل در ادامه به‌طور خاص به مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی می‌پردازیم.

قلمرو در مجموعه‌های مسکونی

زندگی در مجموعه‌های مسکونی از پیش طراحی شده را می‌توان از مهم‌ترین تحولات در فرآیند سکونت در شهرها دانست. گذر از مرحله‌ای که هر ساختمان مناسب با شرایط یک خانواده طراحی می‌شد و رسیدن به مرحله‌ای که ساخت مسکن را همگام با برنامه‌ریزی متناسب با شرایط عمومی ساکنان می‌داند، هرچند ساده و بدیهی به نظر می‌رسد، ولی تحولی بنیادی است. نتیجه این نوع برنامه‌ریزی طیف وسیعی از مجموعه‌های مسکونی با تراکم کم تا مجتمع‌های مسکونی متراکم را شامل می‌شود. در این نوشتار منظور از مجموعه‌های مسکونی، مجموعه‌هایی است که تحت عناوین مختلف به گونه‌ای یکجا و همزمان، برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا می‌شوند. مقیاس این مجموعه‌ها معمولاً از چند واحد مسکونی تا ساختمان‌های بلند و حتی مجموعه‌های بزرگ که به صورت ناحیه‌ای از شهر در آمده‌اند، متغیر است (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ۱۱۰).

موضوع مجموعه‌های مسکونی بسیار گسترده بوده و پژوهش‌های متعددی نیز در آن به انجام رسیده است. لیکن آنچه در این نوشتار شایان توجه است، الگوهای شکل گرفته در این مجموعه‌هاست. منشأ مجموعه‌های مسکونی به شکل امروزی را می‌توان در دوران پس از انقلاب صنعتی یافت. در نیمه دوم قرن نوزدهم، از دست رفتن بهداشت و بحران‌های مداوم و برخوردهای اجتماعی فراوان، متفکرین اجتماعی را به اندیشیدن برای انتظام بخشی به وضعیت نامطلوب شهرها وادار نمود (عزیزی، ۱۳۸۶، ۲۸). در ادامه و در ابتدای قرن بیستم، در کنار انتشار اثر هاوارد^{۱۱} در مورد باغشهرها^{۱۲} و مطالعات تونی گارنیه^{۱۳} در مورد ایده شهر صنعتی (Schoenauer, 2000, 473)، دو جریان فکری در طراحی مسکن شکل گرفت که هر دو آثار اجتماعی و کالبدی مهمی بر طراحی مجموعه‌های مسکونی بعدی گذاشتند. یکی از این دو جریان را می‌توان «واحدهای همسایگی»^{۱۴} پیشنهادی کلارنس پری^{۱۵} دانست که توسط کلارنس اشتاین و هنری رایت^{۱۶} در رادبرن نیوجرسی آمریکا تجربه شد (اوستروفسکی، ۱۳۷۸، ۹۳-۱۱۴). کلارنس پری، واحد همسایگی را به منزله محیطی اجتماعی-کالبدی برای توسعه مناطق مسکونی پیشنهاد نمود که شامل یک مدرسه ابتدایی، پارک یا زمین بازی، فروشگاه‌های کوچک و ترکیبی از ساختمان‌ها، خیابان‌ها و خدمات عمومی با دسترسی ایمن پیاده بود. جریان دوم همان «مجموعه‌های خوداتکا» یا واحدهای مسکونی پیشنهادی لوکوربوزیه^{۱۷} بود که در شهر مارسی فرانسه به اجرا درآمد (عینی‌فر، ۱۳۸۶، ۴۰). این واحدها در ساختمان‌های مرتفع با امکانات خرید و خدمات نظیر مهدکودک‌ها در طبقات میانی و پشت بام است (همان، ۴۱). این دو الگو یعنی شکل‌گیری در سطح و ارتفاع، به عنوان اصلی‌ترین الگوهای طراحی مجموعه‌های مسکونی تا به امروز مطرح بوده است.

در ایران نیز همگام با روند رشد شهرنشینی، سیاست تولید مسکن انبوه در قالب مجموعه‌های مسکونی به عنوان یکی از

راه‌های پاسخ به نیاز مسکن به سرعت گسترش یافت. آغاز دهه ۱۳۳۰ مصادف با آغاز بلندمرتبه‌سازی در تهران از یکسو و رواج ایده احداث کوی‌ها و شهرک‌های مسکونی برای اسکان مهاجران و اقشار کم‌درآمد (نظیر چهارصد دستگاه و نازی‌آباد) بوده است. از دهه ۱۳۴۰ احداث مجتمع‌های مسکونی برای اقشار میان‌درآمد، با مشارکت بخش خصوصی مورد توجه واقع شد که از این دست می‌توان به ساخت شهرک اکباتان اشاره نمود. در ادامه با رواج بلندمرتبه‌سازی در دهه ۱۳۵۰ همراه با رونق اقتصادی بخش مسکن، احداث مجتمع‌های لوکس برای اقشار پردرآمد شدت گرفت که با وقوع انقلاب اسلامی از سرعت آن کاسته و پس از حدود یک دهه، مجدداً از سر گرفته شد (عزیزی، ۱۳۸۶، ۲۸).

به طور کلی در طراحی مجموعه‌های مسکونی، سه مقیاس عمده مطرح می‌گردد. نخست، در مقیاس پیوند بیرونی مجموعه‌های مسکونی با محیط‌های مجاور؛ در این مقیاس مهمترین مسائل، ایجاد تداوم و پیوند کالبدی-اجتماعی مجموعه‌ها با محیط اطراف و ایجاد هویت و شناسه محلی است. دوم، در مقیاس روابط درونی مجموعه‌ها؛ در این مقیاس ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی، چگونگی برقراری امنیت، جهت‌یابی و تنظیم دسترسی از مسائل مهم طراحی است. سوم، مقیاس واحدهای مسکونی؛ در این مقیاس روابط و نسبت فضاهای درونی مسکن با فرهنگ و سنت سکونت ساکنان مورد نظر طراحی است (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ۱۱۰).

با وجود سه مقیاس ذکر شده، مفهوم قلمرو در شرایط مختلف، شکل‌های گوناگونی به خود گرفته و دارای هویت متفاوت می‌شود. به نحوی که در بررسی این مفهوم در مجموعه‌های مسکونی، به موضوعاتی برمی‌خوریم که برخی از آنها، این محدوده‌ها را در جایگاهی متفاوت از دیگر نقاط شهر، قرار می‌دهد. به طور مثال، در مجموعه‌های مسکونی بزرگ (یا آنچه معمولاً در ایران «شهرک» خوانده می‌شود) با تقسیم‌بندی متفاوت از تقسیم‌بندی‌های رایج در شهر روبرو هستیم. این تقسیمات معمولاً با نام «فاز» که نشانگر اولویت‌های محدوده مورد نظر در روند اجراست، خوانده می‌شود. گاهی نیز این تقسیمات با نام «بلوک» تطابق دارد که جهت شناسایی و آدرس‌دهی از آن بهره گرفته می‌شود. گاه نشانه‌هایی از تعلقات اجتماعی و هویتی در این قلمروها (فاز یا بلوک) رویت می‌گردد که حتی آن را تاحدی قابل قیاس با محله‌بندی‌های شهری می‌نماید. زیرا در مجموعه‌های مسکونی، روابط اجتماعی خاصی حکمفرماست؛ این روابط عموماً از حدود خاصی تجاوز نمی‌کند و عمدتاً به روابط موجود در محلات قدیمی (روابط همسایگی) تطابق ندارد (رفعت‌جاء، ۱۳۸۶، ۴۷). نظارت اجتماعی و سطح مشارکت مردمی نیز در هر مورد متفاوت است.

افزایش جراثم نیز، ساکنان شهرها را به طور فزاینده‌ای نسبت به امنیت نگران کرده است. در این راستا مطالعات اسکار نیومن در مجتمع‌های مسکونی ارزان قیمت، نشان داد که یکی از مسائل کلیدی این محدوده‌ها نیمه عمومی بودن قسمت‌هایی از ساختمان و میزان نظارت بر آنهاست. نیومن این قسمت‌ها را «قلمروهای

محدوده این شهرک به سه فاز تقسیم شده است. هر فاز شامل چند بلوک و هر بلوک شامل چند ورودی است که در مجموع می‌توان ۳۳ بلوک را در آن مشاهده کرد. محدوده بررسی شده در این مقاله، از فاز یک مجموعه انتخاب شده است که دارای ۱۰ بلوک بوده و در مقایسه با فاز دو و سه، از امکانات مناسب و فضای خدماتی و تجاری متنوع‌تری برخوردار است. سابقه سکونت در این محدوده بیش از فازهای دیگر است و ساکنان از یکدستی بیشتری برخوردارند (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶، ۴۷).

شهرک غرب در شمال غربی تهران واقع است. این مجموعه، در سال ۱۳۴۰ در زمین‌های تقسیم شده اطراف روستای تاریخی «خوردین» با طراحی مهندسان آمریکایی به سبک جدید و کاملاً متفاوت با تهران قدیم ساخته شد. در آن زمان تعدادی از متخصصان و صنعت‌گرانی که برای گسترش فعالیت‌های علمی و صنعتی به ایران آمده بودند، در آن ساکن شدند و به همین دلیل این منطقه شهرک غرب نامیده شد (آذرگشت، ۱۳۸۶، ۱۱). اجرای برنامه‌هایی با عنوان «مدرنیزاسیون پایتخت» در زمان پهلوی دوم نقش موثری در شکل‌گیری این محله داشته است. شهرسازی متفاوت، برج‌های مدرن و خانه‌های ویلایی مجللی که به سرعت در این سال‌ها بنا شدند، شهرک غرب را به یکی از نمادهای شهری جدید ایران تبدیل کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برخی جابجایی‌های جمعیتی در تهران، بافت جمعیتی شهرک غرب به ترکیب نقاط دیگر شهر نزدیک‌تر شد. نمونه بررسی شده از فاز چهارم شهرک انتخاب شده است.



تصویر ۲- تصویر هوایی فاز ۴ شهرک غرب.

انجام پژوهش

در این بخش برای سنجش مدل پیشنهادی و با هدف انجام یک پژوهش کیفی پرسشنامه‌ای طراحی و پیمایش از ساکنان دو مجموعه مسکونی انجام پذیرفته است. نظر به اینکه هدف، دستیابی به نتایج کیفی بوده است، پرسشنامه‌ای شامل ۱۹ پرسش با پاسخ‌های گزینه‌ای، تشریحی و ترسیمی، طراحی و در اختیار ۶۰ نفر از ساکنان قرار گرفت. محتوای پرسشنامه را می‌توان در چهار دسته کلی تقسیم نمود: بخش نخست، اطلاعات فردی پرسش‌شونده را تشکیل می‌دهد، بخش دوم به حدود

غیرقابل دفاع» می‌نامد (آلتمن، ۱۳۸۲، ۱۴۲). البته جنبه‌های روانشناختی احساس امنیت در محیط‌های مسکونی باید در هر فرهنگی به درستی مطالعه و شناخته شود؛ با این وجود بهتر است، مجموعه‌های مسکونی از نظر امن بودن یا نبودن قلمروها، مورد بررسی قرار گیرند. مرز قلمرو مجموعه‌های مسکونی نیز، یکی از عوامل هویت‌ساز است که می‌تواند به صورت کاملاً بسته بوده و مجموعه را با محدوده‌های سخت، از بقیه شهر مجزا نماید. همچنین می‌تواند به نوعی، ارتباط محیطی خود را حفظ نموده و در عین حال حریم و قلمروی مربوطه را حفظ کند^۸. با توجه به آنچه ذکر شد، مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی گستره وسیع و عوامل مؤثر متعددی دارد. در این مقاله مفهوم قلمرو در دو نمونه شکل‌گرفته در سطح و ارتفاع بررسی و مدل نظری پیشنهادی (تصویر ۱) آزموده می‌شود. در پژوهش موردی، ضمن سنجش عوامل مؤثر بر مفهوم قلمرو و نحوه تاثیرگذاری این عوامل بر یکدیگر، به مرزبندی‌هایی نظیر فاز یا بلوک و نیز موضوعات تاثیرگذار چون امنیت توجه خواهد شد.

پژوهش موردی

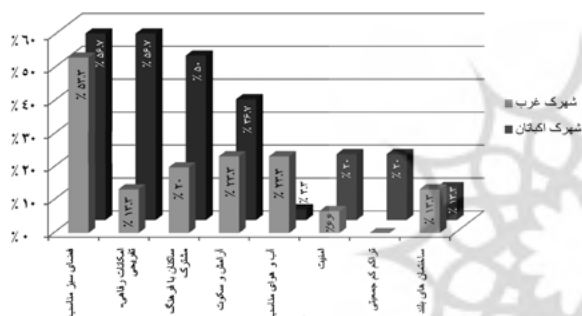
برای بررسی مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی نمونه‌هایی هدفمند از دو الگوی متعارف در سطح و در ارتفاع، گزینش شد. پس از جست و جو از میان نمونه‌های احداث شده در شهر تهران، شهرک اکباتان و شهرک غرب انتخاب گردید. علت انتخاب این دو مجموعه، احداث در یک دوره زمانی نزدیک، ویژگی‌های شاخص از نظر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی، شاکله کلی متحد و سابقه سکونت بالا بوده است. همچنین با توجه به گستردگی این دو شهرک، محدوده مشخصی از هر یک انتخاب و مورد پیمایش قرار گرفت. از شهرک اکباتان، فاز یک و از شهرک غرب، فاز چهار در نظر گرفته شد. علت این انتخاب سابقه بیشتر سکونت و یکدستی ساکنان بوده است.



تصویر ۲- تصویر هوایی شهرک اکباتان.

شهرک اکباتان، از بزرگ‌ترین مجموعه‌های مسکونی خاورمیانه می‌باشد و در غرب تهران قرار گرفته است. این مجموعه در دهه ۱۳۴۰ با هدف اسکان اقشار با درآمد متوسط و تحصیل‌کرده تأسیس شد و متقاضیان سکونت در آن زمان، افرادی تجددگرا بودند که به سکونت در واحدهای آپارتمانی مدرن تمایل داشتند.

با مقایسه نتایج حاصل از دو پرسش مطرح شده می‌توان دریافت که با وجود هویت محلی قوی در هر دو مجموعه مسکونی، در نمونه شهرک غرب، زیرمحل‌ات هویت مستقل‌تری دارند. این در حالی است که در شهرک اکباتان هویت کلی شهرک در ذهن مردم غلبه بیشتری دارد. از سوی دیگر برای درک عوامل موثر بر شکل‌گیری قلمرو عمومی، پرسش دیگری طرح شده است تا ضمن شناخت ویژگی‌های محله از دیدگاه ساکنان، بتوان به این عوامل دست یافت. طبق آمار به دست آمده در مورد ویژگی محله در شهرک غرب، فضای سبز، آب و هوای مناسب و آرامش و سکوت و نیز وجود ساکنان یکدست و با فرهنگ مشترک و تراکم جمعیتی پایین (فضاهای خلوت) بیشترین موارد را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که در شهرک اکباتان، علاوه بر فضای سبز مناسب، امکانات رفاهی، ساکنان یکدست و با فرهنگ مشترک، آرامش و سکوت و امنیت اولویت پاسخ‌ها را تشکیل می‌دهد.



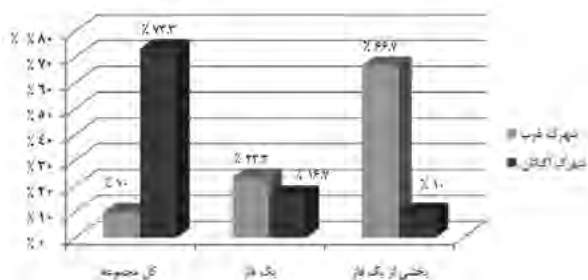
نمودار ۲- ویژگی‌های محله (قلمرو عمومی) در دو مجموعه.

نکته قابل توجه در پرسش‌نامه‌های شهرک اکباتان این است که با وجود شاخص بودن ساختمان‌های شهرک در ذهن اکثر ساکنان تهرانی، ساختمان‌های بلند این شهرک، تنها از نظر ۱۰٪ از پرسش‌شوندگان، به عنوان ویژگی این محله معرفی شده‌اند. همچنین در پرسش از محدوده محله مشخص شد که با وجود بیان قوی هویت محلی در دو مجموعه، تفاوت‌هایی بین محدوده‌های مشخص شده وجود دارد. در شهرک غرب حدود ۲۷٪ از پرسش‌شوندگان، محدوده محله خود را کل فازهای ۳، ۴ و ۵ عنوان کرده‌اند (این سه فاز در یک سمت میدان اصلی مجموعه قرار گرفته‌اند)؛ این در حالی است که تنها ۱۶٪ از پاسخ‌دهندگان کل محدوده شهرک غرب را محله خود معرفی کرده‌اند. بنابراین از نظر بخشی از ساکنان، کل شهرک بر حسب موقعیت جغرافیایی به تقسیمات دوگانه و سپس به تقسیمات فازی قابل تفکیک است. در مقابل، نکته قابل تأمل در شهرک اکباتان، عدم دسته‌بندی فرادست برای فازهاست. هریک از فازهای مطرح شده دارای هویت مستقل و مجزا هستند؛ به نوعی که هیچ‌یک از ساکنان خود را متعلق به دو فاز ندانسته و محدوده محله را مجموعه دو فاز نمی‌دانند. اشاره ۶۳٪ ساکنان به کل شهرک اکباتان در پاسخ به این پرسش، شاهد این مدعا است. ۱۰٪ فاز یک، ۶۷٪ مجموعه چند بلوک و ۱۰٪ محدوده بلوک محل سکونت خود را به عنوان

قلمروهای سه‌گانه پیش گفته از نظر هر نفر می‌پردازد، بخش سوم سنجش هریک از عوامل موثر بر شکل‌گیری مفهوم قلمرو (حاصل از مدل پیشنهادی تحقیق) است و در نهایت بخش چهارم را نقشه‌نگاری‌های ذهنی پرسش‌شونده از قلمروهای عمومی و ثانویه تشکیل می‌دهد. همچنین تلاش شد تا برای هر پرسش حداقل یک پرسش پشتیبان در نظر گرفته شود تا برای دقت در نتیجه‌گیری، پاسخ‌ها با هم مقایسه شوند. علاوه بر آن، نقشه‌نگاری ذهنی به صورت مجزا تحلیل شد و در عین حال با پاسخ‌های هر فرد در پرسش‌های قبلی نیز مقایسه گردید. برای نظم بخشیدن به جامعه آماری و اطمینان از نتایج حاصل، افراد پرسش‌شونده از گروه سنی میان سال (میانگین سنی پاسخگویان ۵۲/۳) برگزیده شده‌اند تا نه تنها افراد سابقه سکونت بیشتری را تجربه کرده باشند، بلکه امکان مقایسه بین این محله با دیگر محلات نیز وجود داشته باشد.

نتایج پژوهش

در بخش‌های مختلف پیمایش، قلمروهای مختلف (منتج از مطالعات ارائه شده در مورد چیستی و انواع قلمرو، جمع‌بندی شده در جدول ۱) و نیز عوامل موثر بر آنها (مطابق مدل پیشنهادی در تصویر ۱) سنجیده شد. در گام نخست برای شناخت قلمرو عمومی و درک ذهنی ساکنان از محدوده محله و مشخصات آن و نیز هویت محلی پرسش شد. همان‌طور که از ابتدا نیز پیش‌بینی می‌شد، هویت محلی در این دو مجموعه، از سطح بالایی برخوردار است. با این وجود، تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود. در پاسخ به سوال "نام محله شما چیست؟"، در شهرک اکباتان، بارزترین پاسخ "اکباتان" با ۷۳/۳٪ بوده است، این در حالی است که در شهرک غرب، بیشترین پاسخ‌ها به بخشی از محله مانند خوارزم و زرافشان تعلق داشته که ۶۳٪ را به خود اختصاص داده و تنها ۱۰٪ از پاسخ‌دهندگان، محله خود را "شهرک غرب" معرفی کرده‌اند. لازم به ذکر است، در سوال پشتیبان، از اهلیت محلی پرسش شده است که بیشترین پاسخ‌ها، نام مجموعه‌ها بوده است (شهرک غرب با ۴۰٪ و شهرک اکباتان با ۶۷٪). این خود نشان از هویت محلی این محدوده‌ها در مقایسه با محله‌های قبلی ساکنان بوده است.



نمودار ۱- مقایسه محدوده قلمرو عمومی در مجموعه.

محله معرفی کرده‌اند.

در ادامه با پرسش‌های مختلف، دیگر انواع قلمرو و مرز آنها نیز در این مجموعه‌ها مشخص گردید. همان‌طور که ذکر شد، بنا به میزان خصوصی و عمومی بودن، نظارت و کنترل و مانند اینها، انواع مختلف قلمرو شکل می‌گیرد. مرز بین این قلمروها می‌تواند محدودکننده و محصورکننده باشد؛ یا با نشانه‌گذاری و تعیین حریم غیرکالبدی، مرزی منعطف و نرم را پدید آورد. در هر دو مجموعه، انواع این مرزها قابل شناسایی است. در شهرک غرب با توجه به سلسله مراتب ایجاد شده، حریم‌ها از طریق دسترسی‌ها جدا شده و فضاها به تدریج خصوصی می‌شوند. ایجاد ایستگاه‌های نگهبان محله، مرزهای سختی را پدید آورده که ورود به قلمرو یک کوچه یا دوربرگردان را معین می‌کند. در مقابل در شهرک اکباتان، این فرم ساختمان‌ها هستند که فضاهای بین آنها را از هم تفکیک می‌کنند؛ علاوه بر آن مرزبندی بین قلمروهای مختلف از طریق دروازه‌های ورودی برای دسترسی سواره و نیز نگهبانان ورودی‌ها برای تردد پیاده، کنترل می‌شوند. همچنین مقایسه پاسخ‌ها حاکی از مشخص‌تر بودن قلمروها در شهرک غرب نسبت به شهرک اکباتان است. اگر در شهرک غرب (طبق گفته ساکنان)، سردر ورودی به حیاط را مرز قلمرو اولیه (یا خصوصی) در نظر بگیریم؛ کوچه‌ها و دوربرگردان‌ها، حکم قلمرو ثانویه یا نیمه عمومی - نیمه خصوصی را داشته و خیابان‌هایی مانند خوارزم به قلمرو عمومی محله تعلق دارند. این در حالی است که این سلسله مراتب خصوصی و عمومی، با معادل خود در شهرک اکباتان متفاوت است. در شهرک اکباتان مرز قلمرو اولیه منطبق با درب آپارتمان‌ها بوده و فضاهای نیمه عمومی - نیمه خصوصی، راهروها، پلکان، ورودی، فضای جمعی میان بلوک و گاه کل بلوک را شامل می‌شود. با وجود اینکه از نظر برخی از ساکنان، راهروها مانند کوچه‌ها در دیگر محلات عمل می‌نمایند، ساکنان امکان هیچ‌گونه دخل و تصرف، حتی در ورودی آپارتمان‌ها را ندارند. در عین حال در شهرک اکباتان، حس تعلق به فضاهای جمعی میان بلوک‌ها سبب شده است که این فضاها اصلی‌ترین قلمروهای ثانویه محسوب شوند.

تحلیل نتایج

بر اساس مدل تحلیلی پیشنهادی (تصویر ۱)، رابطه میان عوامل مؤثر بر مفهوم قلمرو، عوامل کالبدی، کارکردی، اجتماعی، ادراکی - روانی، جغرافیایی - فرهنگی و زمان به شکل مقایسه‌ای به ترتیب زیر در دو نمونه مطالعه شده تحلیل شده‌اند.

• **عوامل اجتماعی:** همان‌گونه که ذکر شد، هر دو مجموعه مسکونی از هویت محلی مطلوبی برخوردارند؛ با این تفاوت که در شهرک غرب، هویت زیرمحله‌ها قابل درک‌تر و واضح‌ترند. این هویت با روابط اجتماعی خاصی همراه است؛ به نوعی که افراد از سنین مختلف (به ویژه افراد میان سال و مسن) در قرارگاه‌های رفتاری متعدد، با یکدیگر روابط نزدیکی برقرار نموده‌اند. اصلی‌ترین فضا برای ارتباطات اجتماعی، فضاهای سبز

در هر دو مجموعه است. موثرترین فضای سبز در محدوده مورد نظر در شهرک غرب، پارک خوارزم است؛ به طوریکه ۶۶٫۷٪ از پرسش‌شوندگان، بخشی از اوقات فراغت خود را در این پارک سپری می‌کنند. در شهرک اکباتان، این فضاهای سبز میان بلوک‌ها هستند که نقش اصلی را برای ایجاد تعاملات اجتماعی ایفا می‌کنند. دید مستقیم و امکان نظارت ساکنان بر فضاهای سبز میانی، سبب شده است که اغلب ساکنان هر بلوک، به آنها احساس تعلق خاطر داشته باشند؛ ۶۶٫۷٪ از پرسش‌شوندگان، از این فضا به طور مداوم استفاده کرده و به تعاملات اجتماعی در این مکان علاقه نشان می‌دهند، ۵۳٫۳٪ افراد از این فضاها برای بازی کودکان بهره می‌جویند و ۳۰٪ از ساکنان علت رضایت خود را از محله، وجود این فضاهای تعاملی می‌دانند.

• **عوامل کارکردی:** فعالیت‌ها و کارکردها، از اجزای لاینفک هر محیط هستند که خود می‌توانند قلمروهای مختلفی را پدید آورند. بدین جهت ضروری است که چیدمان فعالیت‌های مختلف در هر مجموعه مسکونی به دقت برنامه‌ریزی و طراحی شود. هر دو مجموعه، از امکانات و خدمات مناسبی برخوردارند؛ به گونه‌ای که ۱۰۰٪ خریدهای روزانه و ۹۳٫۳٪ از خریدهای هفتگی اهالی شهرک اکباتان و ۹۰٪ خریدهای روزانه و ۵۶٫۷٪ از خریدهای هفتگی اهالی شهرک غرب در همان محله انجام می‌شود. همچنین بیشتر اوقات فراغت ساکنان دو مجموعه، در داخل محله تامین می‌شود.

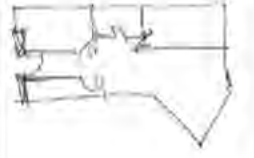
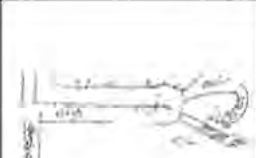
• **عوامل کالبدی:** عامل کالبدی که شکل‌دهنده بسیاری از دیگر موارد مطرح شده است، امکانی برای طراحی زندگی جریان‌یافته در مجموعه‌های مسکونی است. عامل کالبدی در دو مجموعه، یکی با تراکم کم و دیگری با بلوک‌های یک‌شکل و بلندمرتبه، کاملاً متفاوت است. آنچه در این میان پراهمیت است، تصور ساکنان از این نوع بناهاست. همان‌گونه که ذکر شد برخلاف تصور اولیه، ساکنان شهرک اکباتان ساختمان‌های بلندمرتبه محله خود را جزئی از ویژگی‌های اصلی محله خود نمی‌دانند. این در حالی است که در پاسخ به پرسش "آیا خانه‌ها در محله شما ویژگی خاصی دارند؟"، خصوصیتی نظیر سکوت و آرامش، استحکام، نورگیری مناسب، نقشه خوب، امنیت و فضای سبز را نام برده‌اند. در مقابل در شهرک غرب، ۶۳٫۳٪ پاسخ‌گویان به تراکم کم اشاره داشتند و در اولویت‌های بعدی، به باز بودن اطراف ساختمان‌ها، متراژ بالای زمین‌ها و خلوتی محیط، اشاره داشته‌اند.

• **عوامل ادراکی - روانی:** بنا به آنچه گفته شد، عامل ادراکی - روانی یکی از تاثیرگذارترین عوامل موثر بر مفهوم قلمرو است که حس رضایت، تعلق، امنیت، خوانایی و مفاهیمی نظیر آنها را شامل می‌شود. این مفاهیم در بخش‌های مختلف نظرسنجی بررسی و آزموده شد. در پاسخ به سوال میزان رضایت از محل زندگی، ۹۶٫۷٪ ساکنان شهرک غرب و ۹۳٫۳٪ ساکنان شهرک اکباتان از محل زندگی خود ابراز رضایت نموده‌اند. علت رضایت در شهرک غرب به ترتیب عواملی چون سکوت و آرامش (۳۰٪)، همسایگان خوب و یکدست (۳۰٪)، هوای پاک (۲۰٪) و تعداد طبقات کم خانه‌ها (۱۳٫۳٪) بوده است. در حالی که دلایل ساکنان شهرک اکباتان، به

نمایند. علاوه بر آن، از مقایسه شاکله کلی، اجزای تشکیل‌دهنده و محدوده ترسیم شده در دو محله، می‌توان دریافت که ترسیمات ساکنان شهرک غرب در مقایسه با ترسیمات ساکنان شهرک اکباتان از جزئیات بیشتری برخوردار است. این تفاوت می‌تواند نشانگر کامل‌تر بودن کیفیت نقشه ذهنی پاسخ‌دهندگان شهرک غرب نسبت به پاسخ‌دهندگان شهرک اکباتان باشد. با مقایسه ترسیمات ساکنان هر دو مجموعه، می‌توان دریافت که نقشه‌ها سطح کوچک‌تری از کل موضوع بیان شده را، تشکیل می‌دهند. به طور مثال با تطبیق پاسخ‌های پرسش‌های مختلف در مورد محدوده محله و محدوده اطراف خانه و حتی مرز این محدوده ها با این ترسیمات، به راحتی می‌توان این عدم تطابق را دریافت. علاوه بر موارد ذکر شده، ترسیمات نشانگر آن است که قلمروهای ذهنی ساکنان هر دو مجموعه، با محدوده قلمروهای برنامه‌ریزی شده توسط طراحان این دو مجموعه منطبق نیست و ساکنان محدوده‌های کوچک‌تری را شناسایی کرده و آنها را درک می‌کنند.

ترتیب فضای سبز خوب (۳۰٪)، امنیت (۲۶/۶٪)، وجود خدمات رفاهی (۲۳/۳٪)، سکوت، آرامش و آسایش محیطی (۱۶/۷٪)، یکدست بودن ساکنان، طراحی مناسب محوطه و درون خانه‌ها و در نهایت نورگیری مناسب (۱۰٪) است. همچنین ۷۰٪ از ساکنان شهرک غرب و ۱۰۰٪ ساکنان شهرک اکباتان، از حضور در قلمرو ثانویه احساس امنیت کامل داشته‌اند. خوانایی^{۱۸} از مفاهیم دیگری است که در عوامل ادراکی-روانی جای می‌گیرد و در درک محیط، ایجاد احساس امنیت و آرامش در ساکنان و افزایش حس تعلق نقش اساسی دارد. در شهرک غرب، به دلیل تراکم کم واحدهای مسکونی و وجود نشانه‌های محلی، محیط واضح‌تر از شهرک اکباتان است. این موضوع از طرف ساکنان اکباتان نیز مورد تاکید قرار گرفته است. این ساکنان ادعا می‌کنند به علت سابقه طولانی سکونت با محیط کاملاً آشنا شده‌اند، ولی در اوایل سکونت، در میان بلوک‌ها و ورودی‌ها گم می‌شدند. نقشه‌های ترسیم شده توسط ساکنان این دو مجموعه نیز می‌تواند تاحدودی گواه این مدعا باشد (جدول ۲).

جدول ۲- نمونه‌هایی از ترسیمات ساکنان شهرک غرب و شهرک اکباتان از محدوده محله و خانه.

شهرک اکباتان			شهرک غرب		
محدوده خانه	محدوده محله	شماره کار برگ	محدوده خانه	محدوده محله	شماره کار برگ
		K1			G4
		K4			G5
		K9			G16

• عوامل جغرافیایی-فرهنگی: وسعت زیاد این دو مجموعه مسکونی سبب شده است تا قلمروهای اولیه، ثانویه و عمومی، محدود گردد؛ به نحوی که محدوده محله در نظر بسیاری از ساکنان شهرک غرب به چند فاز، یا یک فاز و یا حتی یک خیابان کاهش یابد. به همین ترتیب قلمرو ثانویه نیز تا یک خیابان و یا یک کوچه یا دوربرگردان کوچک گردد. شاهد این مدعا ترسیمات انجام شده

با وجود این که به صورت کلی، عامه مردم آشنایی کاملی با ترسیم نقشه ندارند؛ همانطور که در نمونه‌هایی از ترسیمات ساکنان در جدول ۲ نیز قابل مشاهده است، بین ترسیمات در شهرک غرب و شهرک اکباتان تفاوت قابل توجهی وجود دارد. از طرفی ۵۳/۳٪ از پاسخ‌دهندگان در نمونه شهرک اکباتان نتوانستند هیچ نقشه‌ای از محله و محدوده زندگی خود ترسیم

مسکونی، تعاملات در قلمرو عمومی، در حد پاسخ‌گویی به فعالیت‌های روزانه و نیز تجمع در فضاهای جمعی است. تجمع در فضاهای جمعی در شهرک غرب به واسطه وجود عنصر حیاط و فضاهای باز و نیمه باز خصوصی، کمتر از فضاهای جمعی در شهرک اکباتان است. مدت زمان حضور در قلمرو ثانویه یا قلمرو نیمه عمومی - نیمه خصوصی، در شهرک اکباتان بیش از شهرک غرب است که می‌توان علت آن را در وجود فضای جمعی و نیز نظارت بر قلمرو ثانویه دانست. زندگی شبانه در هر دو مجموعه، بیشتر در مراکز خرید و بازارچه‌ها و فضاهای جمعی مانند پارک‌ها و فضاهای سبز میان بلوک‌ها، در جریان است. یافته‌های مربوط به محدوده و مرز قلمرو و همچنین عوامل موثر بر شکل‌گیری قلمرو در جدول ۳ و جدول ۴ (صفحه مقابل) خلاصه شده است.

توسط ساکنان از محدوده محله و محدوده خانه است. در این ترسیمات هیچ‌یک از پاسخ‌دهندگان، کلیت شهرک غرب را ترسیم نکرده‌اند. با این وجود، فاز مربوط به محدوده‌های کوچک‌تر از آن، کاملاً درک و باز نمود شده است (جدول ۲). از بعد فرهنگی نیز به نظر می‌رسد ساکنان دو مجموعه، با شناخت کافی از وضعیت فرهنگی ساکنان و با انتخاب خود در مجموعه‌ها ساکن شده‌اند. به همین دلیل ساکنان، یکی از دلایل رضایت از دو مجموعه را سطح فرهنگی ساکنان توصیف می‌کنند. نیمی از پاسخ‌گویان در شهرک اکباتان، ویژگی محله خود را یکدستی فرهنگی ساکنان می‌دانند.

• **عامل زمان:** آخرین عامل بررسی شده، زمان است. این عامل را می‌توان از نظر مدت زمان استفاده از قلمروهای مختلف، میزان موارد بهره‌برداری از قلمرو مورد نظر و در نهایت، میزان بهره‌برداری در شب و روز، بررسی کرد. در هر دو مجموعه

جدول ۳- جدول مقایسه یافته‌ها در باره محدوده و مرز قلمرو در دو نمونه موردی در سطح و در ارتفاع.

موضوع	شهرک غرب	شهرک اکباتان	مقایسه دو نمونه	نتیجه گیری
محدوده و مرز قلمرو	عمومی	• کلیت مجموعه بر قلمرو عمومی حاکمیت دارد.	• در شهرک اکباتان قلمروهای محلی (عمومی) قوی‌تر هستند و در مقابل زیر محلات در شهرک غرب قوی‌تر درک می‌شوند.	• به سبب گونه‌های مختلف برنامه‌ریزی (گسترش در سطح و ارتفاع) مفهوم قلمرو در این دو مجموعه شاکله متفاوتی به خود گرفته است.
	ثانویه	• قلمرو ثانویه طیف وسیعی از فضای کل بلوک، فضای جمعی بین بلوک‌ها، ورودی‌ها، پلکان، راهروها و حتی پله‌های قرار را دربر می‌گیرد.	• محدوده قلمرو ذهنی ساکنان با محدوده مدنظر طراحان یکی نیست.	• یکنواختی و یک‌شکلی ساختمان‌ها می‌تواند در ایجاد قلمرو محلی کمک نماید. ولی قدرت قلمروهای ثانویه را که معادل زیر محلات در دیگر نقاط شهر است، کاهش می‌دهد.
	اولیه	• در ورودی واحد مسکونی، مرز قلمرو اولیه است.	• مقایسه گسترده قلمروهای ثانویه در شهرک اکباتان نسبت به شهرک غرب، سبب شده تا این فضاها به فضاهای عمومی متمایل گردد.	• قلمرو ذهنی ساکنان با قلمرو برنامه‌ریزی شده توسط طراحان یکی نیست.
			• محدوده قلمرو اولیه در دو مجموعه تاحدی شبیه است ولی کیفیت آنها بیشتر به خصوصیات فردی بستگی دارد.	• در هر دو مجموعه ساکنان رضایت نسبتاً کاملی از زندگی در قلمروهای مختلف دارند.

نتیجه

دو عامل جغرافیایی - فرهنگی و زمان، به صورت بستری بر چهار عامل قبلی و نیز کلیت مفهوم قلمرو تأثیرگذار خواهند بود. نتایج حاصل از تحلیل مفهوم قلمرو در دو نمونه از مجموعه‌های مسکونی شاخص در تهران یعنی شهرک غرب و شهرک اکباتان، نشانگر آن است که شاکله، محدوده و مرز بین قلمروهای اولیه، ثانویه و عمومی در این دو الگو، متفاوت است. در عین حال نتایج حاصله را در سه مقیاس کلان، میانی و خرد می‌توان دسته‌بندی نمود. نتایج در مقیاس کلان، نشان می‌دهد که قلمروهای ذهنی ساکنان با محدوده قلمروهای برنامه‌ریزی شده توسط طراحان این دو مجموعه که بر اساس برداشت‌های عینی و مراجعه به سوابق طراحی انجام شده، منطبق نمی‌باشد که این موضوع توجه مضاعف برنامه‌ریزان و طراحان را به تصورات ذهنی ساکنان، می‌طلبد. در مقیاس میانی نتایج نشانگر آن است که در صورت تأمین خدمات

انسان نیازمند آرامش، احساس امنیت در زندگی خصوصی خود و محترم شمردن قلمرو خویش از جانب دیگران است. قلمرو ابزاری برای گذر از یک فضای ساده است که می‌توان آن را یک سازوکار پشتیبان برای نیازهای اصلی زندگی دانست. متفکران مختلف، بنا به میزان خصوصی و عمومی بودن و نیز امکان نظارت و دفاع از محدوده، قلمرو را به انواع متفاوتی دسته‌بندی نموده‌اند که این مقاله سه دسته اولیه (خصوصی)، ثانویه (نیمه خصوصی) - نیمه عمومی) و عمومی را مبنای تحلیل قرار داده است. قلمرو با عوامل مختلف و پیچیده‌ای در ارتباط است که در مدل پیشنهادی در این مقاله تدوین شده است. در این مدل شش دسته از عوامل قابل شناسایی است که عوامل کالبدی، کارکردی در حیطه فضای عینی و عوامل اجتماعی و ادراکی - روانی در حیطه فضای ذهنی به طور مستقیم بر شکل‌گیری مفهوم قلمرو موثرند. در عین حال

جدول ۴- جدول مقایسه عوامل شش‌گانه موثر بر قلمرو (مستخرج از مدل پیشنهادی) در دو نمونه در سطح و در ارتفاع

موضوع	شهرک غرب	شهرک اکباتان	مقایسه دو نمونه	نتیجه گیری
عوامل اجتماعی	- عمده تعاملات اجتماعی در فضاهای جمعی و قرارگاه‌های رفتاری رخ می‌دهد. - همبستگی اجتماعی در قلمروهای ثانویه مشاهده می‌شود.	در فضاهایی مانند راهروها، تامل اجتماعی و ویژگی رخ نمی‌دهد و ساکنان تنها از بخش‌هایی رضایت دارند که به نوعی به فضاهای جمعی تبدیل شده باشد.	بخشی از قلمرو ثانویه که به فضای جمعی تبدیل می‌شود، اصلی ترین تسهیل کننده تعاملات اجتماعی است.	- لزوم توجه ویژه طراحان و برنامه‌ریزان به فضاهای جمعی در قلمروهای ثانویه. - در صورت تامین خدمات و فضاهای سبز و نیز فضاهای جمعی لازم، گسترش در سطح یا ارتفاع، به خودی خود نمی‌تواند بار معنایی مثبت یا منفی داشته باشد.
عوامل کالبدی	عامل کالبدی یکی از وجوه تمایز بین این محله و محلات دیگر بوده و از دلایل رضایت ساکنان از محله نیز، تراکم کم ساختمان‌ها بوده ولی از عوامل اصلی ذکر نشده است.	از نظر ساکنان عامل کالبدی (ساختمان‌های بلند و یک شکل) وجه تمایز اصلی بین این مجموعه و محلات دیگر نیست.	در مقایسه با امنیت، فرهنگ ساکنان، تامین خدمات و فضاهای سبز و نیز فضاهای جمعی لازم، گسترش در سطح یا ارتفاع، بار معنایی مثبت یا منفی نداشته است.	- فضاهای سبز، نقشی بستر ساز برای تعاملات اجتماعی ایفا می‌کنند؛ لذا از دو جنبه عامل کالبدی و اجتماعی بر کیفیت قلمروها مؤثرند. - از نظر ساکنان نقش عوامل ادراکی- روانی، اجتماعی و جغرافیایی- فرهنگی بیش از دیگر عوامل تأثیر گذار، به‌ویژه عوامل کالبدی در رضایت از قلمروهای مختلف مؤثر بوده است. لیکن مشخص است که بسیاری از عوامل مطرح شده مانند امنیت، حس تعلق و خوانایی تحت تأثیر برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی می‌باشد. - امنیت در مجموعه‌های مسکونی یکی از مؤثرترین عوامل در رضایت از قلمروهای عمومی و ثانویه است.
عوامل کارکردی	- عمده فعالیت‌های روزانه ساکنان در مرحله انجام می‌شود، یا این وجود مجموعه از نظر کارکردی خودکفا نیست. - وقلات فراغت عمدتاً در قلمرو ثانویه طی می‌شود.	- مجموعه از نظر کارکردی خودکفاست. - نظافت، نظارت و فعالیت‌های مشابه توسط گروه خاصی تامین می‌شود و ساکنان امکان کوچکترین دخل و تصرفی در قلمرو ثانویه ندارند.	- امنیت یکی از اصلی‌ترین عوامل مدنظر ساکنان در هر دو مجموعه است. - خوانایی محیط در شهرک غرب نسبت به شهرک اکباتان بیشتر است.	- هر دو محدوده دارای هویت محلی بوده و حس تعلق به آنها زیاد است. - گسترش در ارتفاع سبب شده تا خوانایی محیط کاهش یابد. زیرا فضاهای خالی بین ساختمان‌ها توسط انسان‌ها درک می‌شود؛ ولی در مجموعه‌های گسترده در سطح، به دلیل وجود مسیرهای سواری و پیاده، سلسله مراتب دسترسی‌ها، تراکم پایین ساختمان‌ها و نیز وجود نشانه‌های خاص جهت شناسایی، خوانایی محیط زیاد است.
عوامل ادراکی- روانی	به دلیل وجود مسیرهای سواری و پیاده، سلسله مراتب دسترسی‌ها، تراکم پایین ساختمان‌ها و نیز وجود نشانه‌های خاص جهت شناسایی، خوانایی محیط زیاد است.	غالب بودن ساختمان‌ها در مجموعه‌های مسکونی (مانند شهرک اکباتان) سبب شده تا خوانایی محیط کاهش یابد. زیرا فضاهای خالی بین ساختمان‌ها توسط انسان‌ها درک می‌شود.	- امنیت یکی از اصلی‌ترین عوامل مدنظر ساکنان در هر دو مجموعه است. - خوانایی محیط در شهرک غرب نسبت به شهرک اکباتان بیشتر است.	گسترش در ارتفاع سبب شده تا خوانایی محیط کاهش یابد. زیرا فضاهای خالی بین ساختمان‌ها توسط انسان‌ها درک می‌شود؛ ولی در مجموعه‌های گسترده در سطح، به دلیل وجود مسیرهای سواری و پیاده، سلسله مراتب دسترسی‌ها، تراکم پایین ساختمان‌ها و نیز وجود نشانه‌های خاص جهت شناسایی، خوانایی محیط بیشتر است.
عوامل جغرافیایی- فرهنگی	- عامل جغرافیایی- فرهنگی، به عنوان یک بستر برای دیگر عوامل عمل می‌نماید. - یکدستی ساکنان از نظر فرهنگی، یکی از اصلی ترین عوامل مؤثر بر رضایت از این مجموعه بوده است. - مقیاس قلمرو ذهنی ساکنان کوچکتر از مقیاس برنامه‌ریزی شده است.	- عامل جغرافیایی- فرهنگی، به عنوان یک بستر برای دیگر عوامل عمل می‌نماید. - یکدستی فرهنگی ساکنان، یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر رضایت از سکونت در این مجموعه بوده است. - مقیاس گسترده قلمرو ثانویه، هویت فردی و گروهی را تحت تأثیر قرار داده و هویت جمعی را حاکم می‌کند.	- پاسخ دهندگان به یکدستی فرهنگی ساکنان در مجموعه‌های مسکونی تمایل دارند. - مقیاس گسترده قلمروهای ثانویه در شهرک اکباتان، سبب شده هویت شخصی در آن گم شده و تنها هویت جمعی بر یکایک فضاها سایه افکند.	نتایج نشانگر تمایل پاسخ‌دهندگان به یکدستی فرهنگی در مجموعه‌های مسکونی است که منظور از آن تبعیت کردن از فرهنگ و سطح اجتماعی خاص بوده و یا یکتاختی شغلی، متفاوت است.
عوامل زمان	به جهت استفاده شبانه از فضاهای جمعی در قلمرو عمومی، میزان استفاده از قلمرو ثانویه در شبها کمتر بوده و در حد گذر است.	به جهت نظارت اجتماعی بر فضاهای جمعی بین بلوک‌ها، این بخش از قلمرو ثانویه در شبها بیشتر مورد استفاده بوده و پویایی آن سبب شده است.	- مدت زمان سکونت، بر دیگر عوامل به ویژه عوامل اجتماعی و ادراکی روانی مؤثر است. - طول مدت استفاده و تداوم آن در پویایی قلمروهای مختلف مؤثر است.	- پویایی زندگی شبانه در قلمرو ثانویه به میزان نظارت بر این قلمرو وابسته است. - طول مدت استفاده و تداوم آن در پویایی قلمروهای مختلف مؤثر است.

کیفیت قلمروها مؤثر خواهد بود و این موضوع توجه ویژه طراحان را به کیفیت فضاهای جمعی در قلمروهای ثانویه جلب می‌نماید. در مقیاس خرد توجه به امنیت در قلمروهای عمومی و ثانویه و نیز پویایی زندگی شبانه و نیز تداوم بهره‌گیری از این فضاها، می‌تواند در شکل‌گیری و رضایت از قلمروهای مختلف مؤثر باشد.

همچنین، تحلیل نتایج نشان می‌دهد که در مجموعه‌های در سطح و در ارتفاع، نقش عوامل ادراکی- روانی، اجتماعی و جغرافیایی- فرهنگی بیش از عوامل دیگری چون عامل کالبدی، در رضایت ساکنان از قلمروهای زندگی روزمره مؤثر است. توجه طراحان به یکایک عوامل مؤثر بر مفهوم قلمرو علی‌الخصوص عوامل ادراکی- روانی، اجتماعی و جغرافیایی- فرهنگی، همچنین مقیاس این محدوده‌ها، می‌تواند به ارتقای کیفیت محیط‌های مسکونی کمک نموده و تأثیر قابل توجهی بر رضایت ساکنان مجموعه‌های مسکونی داشته باشد.

فضاهای سبز و فضاهای جمعی لازم، عامل کالبدی در سطح و در ارتفاع بودن مجموعه‌ها، تأثیر چندانی در میزان رضایت از قلمروهای اولیه، ثانویه و عمومی ندارد. در عین حال بهره‌مندی از ساختمان‌های بلندمرتبه و نیز هماهنگی و یکپارچگی شکلی بناهای مسکونی، در ایجاد قلمرو عمومی و تقویت هویت محلی مؤثر است، لیکن غلبه قلمروهای ثانویه را (که باید در عین دسترسی برای عموم، تحت نظارت استفاده‌کنندگان بوده و حس نیمه خصوصی و نیمه عمومی را القاء کند)، کاهش می‌دهد. همچنین نتایج نشانگر تمایل پاسخ‌دهندگان به یکدستی فرهنگی در مجموعه‌های مسکونی است که منظور از آن تبعیت کردن از فرهنگ و سطح اجتماعی خاص بوده و با یکتاختی شغلی، متفاوت است. علاوه بر آن برای تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی، فضاهای سبز نقشی بستر ساز ایفا می‌کنند؛ لذا از دو جنبه عوامل کالبدی و اجتماعی بر

پی نوشت ها:

فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵)، لغتنامه دهخدا، چاپخانه دانشگاه تهران، تهران.

راپاپورت، آموس (۱۳۸۲)، ابداع معماری؛ از غار تا شهر، فصلنامه آبادی، شماره ۳۰، صص ۴-۱۱.

رفعت‌جاده، مریم (۱۳۸۶)، تحلیل فضاهای محلی در شهرک اکباتان، چکیده مقالات همایش چالش‌های فرهنگی مسکن و همسایگی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.

عزیزی، محمد مهدی و ملک محمد نژاد، صارم (۱۳۸۶) بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع‌های مسکونی (متعارف و بلند مرتبه)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، صص ۲۷-۳۸.

عینی‌فر، علیرضا (۱۳۷۹)، عوامل انسانی - محیطی موثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، صص ۱۰۹-۱۱۸.

عینی‌فر، علیرضا (۱۳۸۶)، نقش غالب الگوهای عام در طراحی محله‌های مسکونی، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، صص ۳۹-۵۰.

لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوین (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

لینچ، کوین (۱۳۸۴)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

Burt, William Henry (1943), Territoriality and Home Range Concepts as Applied to Mammals, *Journal of Mammalogy*, Vol. 24, No.3, pp. 346-352.

Lawson, Bryan (2001), *The Language of Space*, Butterworth-Heinemann, London.

Roberts, Craig & Russell, Julia (2002), *Angles on Environmental Psychology*, Nelson Thornes Ltd.

Schoenauer, Norbert (2000), *6000 years of housing*, W.W.Norton & Company, Inc., Third Edition, New York.

Webster's Universal Dictionary (1977), Webster Universal Press, New York.

۱ در این لفظ از ترکیب اسم و امر، معنی اسم ظرف پیدا شده یعنی محل روان بودن قلم کسی و خلاصه معنی قلمرو ملک مطیع است.

2 Territorial Behavior.

3 Howard, D.

4 Carpenter, C.R.

5 Nice, M. M.

6 William Henry Burt.

۷ برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به

Ardrey, R. (1967). *The Territorial Imperative: A Personal Inquiry into the Animal Original of Property and Nation*. London: Collins.

۸ در شهرهای قدیم ایران قلمرو چندین واحد مسکونی به صورت یک بن‌بست سر بسته و سرباز است که مدخل آن با یک لنگه طاق مشخص می‌شود و قلمرو یک واحد مسکونی به صورت فضایی است که نسبت به معبر عمومی عقب نشسته است.

9 Brower, S.N.

۱۰ از سلسله نیازهای مطرح شده از سوی متخصصان می‌توان به مراتب نیاز مازلو و زایل اشاره داشت.

11 Ebenezer Howard.

12 Garden City.

13 Tony Garnier.

14 The Neighbourhood Unit.

15 Clarence Perry.

16 Clarence Stein & Henry Wright.

17 Le Corbusier.

۱۸ محدوده‌های سخت (Hard) و نرم (Soft) توسط کوین لینچ در کتاب شکل خوب شهر، مطرح شده است. نگاه کنید به: لینچ، ۱۳۷۶، ترجمه سید حسین بحرینی.

۱۹ منظور از خوانایی آن است که بتوان به آسانی اجزای محیط را شناسایی نموده و آنها را در ذهن، در قالبی بهم پیوسته با یکدیگر ارتباط داد (لینچ، ۱۳۸۴، ص ۳۵).

فهرست منابع:

آذرگشت، امیر علی (۱۳۸۶)، بیلاق مدرن، روزنامه همشهری، ۱۶ آبان ۱۳۸۶، شماره ۱۸۱، ص ۱۱.

اوستروفسکی، واتسلاف (۱۳۷۸)، شهرسازی معاصر، ترجمه لادن اعتضادی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران.

آلتمن، ایروین (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

بحرینی، سید حسین و تاج‌بخش، گلناز (۱۳۷۸)، مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۶، صص ۱۸-۳۱.

توسلی، محمود (۱۳۶۹)، اصول و روش‌های طراحی شهری و